

کشورهای دارنده منابع نفتی برای اکتشاف و توسعه میادین نفتی به سرمایه و تکنولوژی کشورهای صنعتی نیاز دارند. بر این اساس کشورهای نفتی در قالبی مشخص این کار را یا به صورت مشترک انجام می‌دهند و یا آن را به یک شرکت نفتی دیگر واگذار می‌کنند. در این مقاله قراردادهای قالب‌های قراردادی مورد استفاده در کشورهای عربستان سعودی، مصر، کویت و عراق مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد. هدف ما از این بررسی این است که بدانیم چه نوع قالب حقوقی کاربرد و استعمال بیشتری نسبت به بقیه دارد و کشور ایران در این بین از چه قالب قراردادی استفاده می‌کند. آیا امکان استفاده از سایر قالب‌های قراردادی نفتی در کشور ما وجود دارد یا خیر؟ کدام قالب قراردادی در این منطقه از پذیرش و کارکرد بیشتری برخوردار است و اگر چنین قالب قراردادی مورد پذیرش اکثریت کشورهای دارنده منابع نفت و گاز است چرا در نظام حقوقی ما از آن استفاده نمی‌شود.

عربستان سعودی

قراردادهای اولیه عربستان سعودی در قالب امتیازات نفتی بود و اولین قرارداد امتیاز نفت به سال ۱۹۳۳ به شرکت استاندارد کالیفرنیا (آرامکو) آمریکا اعطا شد. پس از آن قراردادهای متعدد دیگری در قالب امتیاز با سایر شرکت‌های آمریکایی (در سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۹-۱۹۴۲) و فرانسوی و انگلیسی به امضاء رسید. (موحد-۱۳۵۷)

قرارداد امتیاز با آرامکوی آمریکا در سال ۱۹۵۰ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و آن قالب قراردادی پنجاه - پنجاه (اولین بار در ونزوئلا ۱۹۴۳) یا تنصیف منافع بین طرفین بود که در سال ۱۹۵۱ جانشین قالب امتیاز شد یعنی سهم عربستان از تولیدات حاصله به ۵۰ درصد افزایش یافت. (Ibrahim _ F _ ۱ _ ۱۹۸۶)

پس از گذشت چند سال و بویژه بعد از انعقاد قرارداد مشارکت میان شرکت ملی نفت ایران با شرکت انی ایتالیا، عربستان با استقبال از این قالب قراردادی آن را با طرف آمریکایی مطرح ساخت و در سال ۱۹۷۲ مورد پذیرش طرفین قرار گرفت. میزان مشارکت عربستان از ۲۵ درصد در سال ۱۹۷۲ به ۵۱ درصد در سال ۱۹۸۲ رسید. از آن سال به بعد نیز همین قالب قراردادی مورد توافق طرفین است و این کشور بر این مبنا عمل می‌کند. هر قرارداد مشارکت متضمن تشکیل شرکتی است که اعضاء هیات مدیره آن را طرفین بالمناصفه تعیین می‌کنند. رئیس هیات مدیره را وزیر نفت و منابع معدنی عربستان تعیین می‌نماید. نظارت بر امور نفت و قراردادهای با هیات حاکمه یا شورای وزیران می‌باشد که تصمیمات کلی در این زمینه اتخاذ می‌کند و این تصمیمات الزام‌آور است. همچنین بموجب قراردادهای مشارکتی این کشور انعقاد قرارداد مشارکت از گذشته



منافع دارندگان و توسعه‌دهندگان مخازن نفتی
در کدام نوع قرارداد تامین می‌شود

برادران عرب

مشارکت را برای تخلیه

میادین برگزیدند

تاکنون بر این منوال است که حوزه قرارداد الزامات تمام عملیات بالادستی نفت را شامل می‌شود. این بدین معناست که شرکت خارجی ریسک عملیات شناسایی و اکتشاف که از مخاطره احتمالی زیادی برخوردار هستند بر عهده می‌گیرد. لذا مسئولیت اقتصادی بودن پروژه با سرمایه‌گذاران خارجی است که در حوزه‌های نفت عربستان، سرمایه‌گذاران عمدتاً، شرکت‌های بزرگ آمریکایی هستند که از گذشته طبق رویه‌ای عمل می‌کرده‌اند.

مصر

اگر چه این کشور از ذخایر نفت و گاز فراوانی مانند اعضای اوپک و ... برخوردار نیست اما از جمله کشورهای خاورمیانه که در صحنه حقوق نفت تحولات فراوانی را پشت‌سر گذاشته همین کشور است. تولید نفت این کشور به میزان تجاری از نیمه دوم دهه ششم با تولید ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز آغاز شد. پس از تشکیل شرکت ملی نفت در ایران، اولین بار دولت مصر در سال ۱۹۵۷ شرکت نفت مصر را تاسیس نمود. این شرکت که سرمایه آن متعلق به دولت است مانند یک شریک تجاری و اغلب با شرکت‌های ایتالیایی و آمریکایی همکاری می‌کند. قراردادهای اولیه این کشور در قالب امتیاز با شرکت‌های ایتالیایی و پان امریکن آمریکا بسته شد. پس از گذشت مدتی در اواخر ۱۹۶۳ سیستم تقسیم منافع بر اساس اصل ۵۰-۵۰ متداول شد. بسان ۱۹۸۱ اصلاحات اساسی در قراردادهای نفت و گاز مصر بوجود آمد. مصر از موفق‌ترین کشورهای خاورمیانه در زمینه استخراج و تولید نفت و گاز بر اساس فرمول مشارکت بحساب می‌آید. بیش از ۱۲۰ قرارداد تحت این قالب تا سال ۱۹۸۶ منعقد شد. در نوامبر این سال دولت میزان قیمتی را که برای انجام عملیات اکتشاف باید به شرکت خارجی پرداخت شود از قبل دقیقاً مشخص کرد و بسیاری از هزینه‌ها را با تادیه و قیمت‌گذاری گاز حاصله از چاه‌ها به همراه نفت، جبران کرد. رفته رفته اشکال قراردادهای مشارکتی مصر متنوع‌تر شد و همه این تحولات بیشتر در راستای منافع ملی مصر بود تا کمپانی خارجی.

در مقابل کمپانی خارجی از حق رزرو منابع موجود در حوزه قرارداد در ستون دارایی‌های خود برخوردار بود. چنان چه کمپانی از پذیرش گاز همراه نفت به جای هزینه‌های انجام شده خودداری می‌کرد، هزینه‌های او به علاوه سود آن پس از موفقیت عملیات حفاری به او بازپرداخت می‌شد. نحوه بازپرداخت نیز اختصاصی سهمی از تولید متعلق به دولت مصر به کمپانی بود. اما این شیوه پرداخت مشروط به این بود که کمپانی تعهد توسعه میدان‌های گازی موجود در منطقه قرارداد را نیز بر عهده گیرد. هدف شرکت نفت مصر، توسعه هم‌زمان میدان‌های نفت و گاز یا میدان‌هایی که از گاز همراه زیادی برخوردار بودند و این هدف با

استفاده از سیستم قراردادی مشارکت امکان‌پذیرتر شد. در داخل چارچوب مشارکت نیز نوع مشارکت در ریسک و درآمد مورد عمل قرار می‌گرفت. به موجب قرارداد، ۵۰ درصد تولید نفت حاصله در مالکیت شرکت خارجی بود. شرکت خارجی باید از درآمد حاصله مالیات به دولت بپردازد. منتها در مواردی معافیت‌ها و یا تخفیف‌هایی برای او در نظر گرفته می‌شود. دولت نیز باید سهم خود را از هزینه‌های اکتشاف و استخراج به صورت اختصاصی سهمی از نفت و بویژه گاز به شرکت خارجی بپردازد. (منصوری نراقی - ۱۳۳۹)

بنابراین می‌توان گفت که هم‌اکنون قراردادهای مشارکت در حقوق نفت مصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار دارند. به طوریکه هیچ قالب قراردادی دیگری نتوانسته است تا این اندازه در صنعت نفت و گاز این کشور کاربرد داشته باشد.

کویت

اولین قرارداد نفت کویت به سال ۱۹۳۴ بین دو شرکت نفت انگلیسی و آمریکایی در قالب حقوقی امتیاز منعقد شد و توسط شیخ کویت تأیید گردید. بموجب این قرارداد طرف خارجی از معافیت مالیاتی همه جانبه برخوردار و در عوض شرکت خارجی متعهد بود علاوه بر حق الامتیاز برای هر تن نفت مبلغی (۴ آناس) به دولت کویت بپردازد و همین شرط در تمام قراردادهای امتیازی کویت و حتی در قرارداد الحاقی ۱۹۵۱ که تسهیم منافع بر اساس اصل ۵۰ - ۵۰ بین طرفین برقرار شده بود حفظ گردید. در قراردادهای امتیازی دیگری که بعداً بسته شد (۱۹۵۸ و ۱۹۶۱) سهم دولت به ۵۷ درصد افزایش یافت، بدون اینکه در شرایط معافیت از پرداخت مالیات و حقوق گمرکی تغییری داده شود. شرکت دولتی نفت کویت که در سال ۱۹۷۵ تاسیس یافت، اختیار توسعه، همکاری با دیگر شرکت‌ها و ایجاد شرکت‌های جدید و بویژه ورود به یک قرارداد مشارکت جوینت وینچر را دارد. شرکت دارای یک هیات مدیره‌ای است که توسط وزیر نفت کویت نظارت و کنترل می‌شود. این هیات از اختیارات کافی برای اداره عملیات شرکت برخوردار است. بالاتر از این هیات شورای عالی نفت وجود دارد که سیاست‌های کلی مربوط به نفت را طرح‌ریزی می‌کند و بر فعالیت‌های هیات مدیره نظارت می‌کند. در این مدت قراردادهای نفتی زیادی در قالب قرارداد مشارکت و بویژه جوینت وینچر منعقد شد. به عنوان مثال در قرارداد کویت و شرکت‌هایی که برای انجام عملیات نفتی تشکیل می‌شوند خریداری کرده و شریک آنها گردد. لذا از سال ۱۹۶۷ به بعد سیستم قراردادی مشارکت در عملیات نفتی کویت مورد استفاده واقع شد. اما مشارکت مورد نظر کویت از نوع جوینت وینچر یا مشارکت در سرمایه‌گذاری است. به عنوان مثال در قرارداد

مشارکتی که در سال ۱۹۶۷ منعقد گردید دولت کویت و شرکت ملی نفت کویت و شرکت هسپان اوئل اسپانیا با مشارکت یکدیگر قراردادی را امضا کردند. دو شرکت صاحب امتیاز متفقاً هزینه‌های مقدماتی را تا کشف نفت بر عهده می‌گیرند و پس از شروع بهره‌برداری طرفین در عملیات مشارکت می‌نمایند. این شیوه مشارکت رفته رفته دچار تغییراتی گردید. به طوری که می‌توان شکلی از قرارداد خدماتی عملیاتی نامید ریسک مراحل مختلف عملیات بالادستی در رابطه با اجرای پروژه‌های نفت و گاز بین دولت یا شرکت نفت به نمایندگی از دولت، و کمپانی خارجی تقسیم می‌گردد. (ادوارد جانکفسکی - ۱۳۷۹) این شیوه تقریباً نوعی قرارداد مشارکت همکاری مشارکتی (contract association) است که طرفین را در کلیه مراحل سود و زیان و ریسک‌های مربوطه سهمی می‌سازد، با این امتیاز که شرکت خارجی مالکیتی بر مخازن و

مصر از موفق‌ترین کشورهای خاورمیانه در زمینه استخراج و تولید نفت و گاز بر اساس فرمول مشارکت بحساب می‌آید. بیش از ۱۲۰ قرارداد تحت این قالب تا سال ۱۹۸۶ منعقد شد.

تولیدات حاصل پیدا نمی‌کند بلکه تنها حق انحصاری خرید میزان مشخص نفت و گاز تولید شده را از حوزه قرارداد دارد. بنابراین قراردادهای اخیر کویت نیز دارای ماهیتی مشارکتی خدماتی هستند و نمی‌توان آنها را کاملاً خدماتی دانست.

عراق

روند انعقاد قراردادهای عمده نفتی در عراق تقریباً مشابه ایران بوده است زیرا هر نوع قرارداد حقوقی جدیدی که در ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت به فاصله کوتاهی توسط عراق با شرکت‌های خارجی اعمال می‌شد. سابقه قراردادهای امتیازی عراق به سال ۱۹۱۴ می‌رسد و اکثراً با شرکت‌های انگلیسی - آلمانی و هلندی و شرکت نفت ایران - انگلیسی می‌رسید. قراردادهای امتیازی تدریجاً به نفع عراق تغییر یافت تا اینکه به سال ۱۹۲۵ اصل تقسیم منافع ۵۰-۵۰ مورد پذیرش قرار گرفت. این روند ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۲ و به موجب قانون شماره ۱۱